

۱۸ تیر روز ملی ادبیات کودک و نوجوان

■ آزاده حسینی

۱۸ تیر، سالروز درگذشت مهدی آذریزی نویسنده و بازنویس خوب کشورمان در سال ۱۳۸۸، به عنوان روز رسمی ادبیات کودک و نوجوان در ایران اعلام شده است. امروزه سن شروع نوجوانی تغییر کرده است و کودکان کمی سریع تر از گذشته به بلوغ می رسند. آنچه یک فرد در پانزده سالگی با آن مواجه میشد، حالا در نه یا ده سالگی تجربه می کند. در حالی که از برخی لحاظ هنوز به رشد فکری کافی برای تجربه جهان رویه رو نرسیده است. برنامه رسانه هایی مانند تلویزیون و آموزش های مدرسه شاید تقریباً در یک راستا باشند، اما با دسترسی به سایر شبکه های اجتماعی کودکان با دنیایی بسیار متفاوت و پرهیجان تر آشنا می شوند که در جهتی متفاوت قرار دارند. انواع موسیقی با خواننده های نوجوان و جذاب در سراسر دنیا، کتاب، کارتون محبوب کودکان و سلیقه مطالعاتی و هنری خانواده، تقریباً هیچ شباهتی با آموزه های مدرسه ندارند. بعضی از کتاب ها با تبلیغات زیبا در کتابفروشی ها پیدا می شوند، ولی در کتابخانه های عمومی نیست. باتوجه به اهمیت ادبیات کودک، در رشد فکری و پرورش خلاقیت، لازم است فرصت و توجه بیشتری به آن داشته باشیم. مخاطب کودک به ویژه هشت و نه ساله را کمی جدی تر از گذشته باید در نظر گرفت. کودکی که با چالش های اقتصادی و عاطفی اجتماع، سریع تر از گذشته آشنا می شود، دیگر خود را مخاطب ادبیات موجود نمی بیند و روی به کتاب های ویژه نوجوان می آورد و از طرفی نوجوان نیز بیشتر در جستجوی کتاب های ترجمه (هرچند نامطلوب) است تا کتاب های ویژه سن خودش که در کتابخانه ها، نویسنده های خارجی را بیشتر می شناسد. در مدرسه خبری از دنیای کتاب نیست و کتابخوانی در زائر خاص و برگزاری مسابقه محدود می شود. شاعران و نویسندگان جایگاهی در مدرسه ها ندارند. کانون های پرورش فکری هم معمولاً مکان هایی خواب آلوده اند که سال ها گردی از آن بر نمی خیزد...

ادامه در صفحه ۲

آموزش مهارت های زندگی (۱)

«یادداشت»



کودک و زنان

«یادداشت»



کشف بیش از ۲هزار کیسه انواع

کودشیمیایی غیرمجاز



۲



۲



۲

گلشن مهر

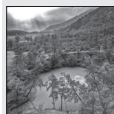
■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ شنبه ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۳۰۳ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان



آغاز خرید ۱۰ هزار تن
گوجه فرنگی

« ۸ »



افسانه هیرکانی گنجینه
عصر دایناسورها

« ۸ »



ماده (Substance) (۲۰۲۴)
سقوطی هولناک به کام هیولای کمال

« ۴ »

بحران آب روستایی



داشته باشد و پیگیر کشت بیشتر شالیزار باشد اما به سر وزیر هم فریاد مشکلات را بکشد، نمی شود سازمان جهاد کشاورزی و مسوولان بخش کشاورزی بلنبال اصلاح الگوی کشت نروند و کشاورزان امروز مانند کشاورزان صد سال پیش گندم و جو بکارند و آنگاه مدام از آسمان آب خواست، نمی شود کشاورزی سنتی را بهینه و مدرن نکرد و از خرده کشاورزان انتظار معجزه داشت، اگر هم تا بحال می شده دیگر نمی شود، به هر حال گلستان بیش از بودجه و تغییر مدیران اینک نیازمند یک راهبرد منطقی در برخورد با بحران های پیش روست، بحران آب، بحران خاک، محیط زیست، ریزگرد، صنایع تبدیلی و... بدون راهبرد و برنامه ریزی علمی و توضیح و توجیه افکار عمومی راهی به جایی نخواهیم برد.

گلستان حدود ۵ ماه در سال قطعا دچار تنش آبی شدید هستند یعنی آب ندارند و این در حالی است که آبی در رگ های زمین هم نمانده است و بر اساس دانسته های علمی آب مناطق سواحل خزری که قابل شرب بوده است نیز اندک اندک از کیفیت افتاده است و بر اساس نظر کارشناسان در یک دهه آینده چنانچه فکری اساسی نشود آب شور به علت هم جواری با دریایگزین آب شیرین این مناطق خواهد شد و آنگاه فلجعه را در بر خواهیم گرفت، بنابراین رسیدن به مرزی از تدبیر که بحرانی مانند بی آبی را با حدود یک میلیون سکنه در روستا و با بهره برداری بدون بهره وری سامان دهد نیازمند یک خود آگاهی و بازگشت به عقلانیت نقدانه است، نمی شود فلان مسوول خودش دغدغه شالیکاری

آبی باشند اما به هر حال معضلی به نام آب وجود دارد و این در حالیست که در روستاهایی از گنبد و نقاط مرزی اصولاً آبی وجود ندارد و دولتها مجبور بوده اند با تانکر و گاه با بشکه و بیست لیتری شخصی آب رسانی کنند و اینها نشان می دهد که رفع مشکل کم آبی گلستان با این سیاست ها و برنامه ها بوسیله کارگزاران یا خواب و خیال است یا آرزو. روستاهایی مانند اورکت حاجی، ارخ کوچک، پنج پیکر، حاجیلر قلعه، آق قایه، نورخان آباد، زابل آباد، قلندر آباد، جای قوشان کوچک، توتلی کوچک، امیدیه، امید آباد، فیضیه یک و دو، ابوزر ۳، پسر کچن، دیگچه و خیر اباد در بخش مرکزی گنبد و روستاهای ترشکلی، قره ماخر، دوزالوم و اوخی تپه در بخش داشلی برون، از غرب گلستان تا منتهای الیه شرق

علیرضا صدرایی- استاندار گلستان در جلسه با نمایندگان مجلس شورای اسلامی گلستان با اشاره به مشکلات آب شرب در برخی روستاهای مرزی گفته است: با پیگیری های مکرر در سطح ملی ۱۳۰ میلیارد تومان اعتبار جذب کرده ایم و ۶۰۰ میلیارد تومان از منابع مولدسازی استان را برای رفع این مشکل اختصاص داده ایم. و این در حالی است که نیمی از گلستانی ها در روستاها زندگی می کنند تا آنجا که نزدیک به هزار روستا در گلستان ثبت شده است. پیشتر گفته شده بود: ۲۴۰ روستا با محدودیت آبی مواجه هستند، اما یک گشت و گذار کوتاه در اینترنت نشان می دهد که از هزار روستای گلستان نزدیک به نیمی دچار بحران آبی هستند و شاید بخش اعظم باقی مانده دچار مساله ی

ادامه یادداشت اول

۱۸ تیر روز ملی ادبیات
کودک و نوجوان

معمولاً پوشش و آرایش نوجوان، سلیقه متنوعش در روابط اجتماعی، موسیقی، کتاب، هنر و فرهنگ حتی برای خانواده‌ها نیز چالش برانگیز است. با توجه به رشد سریع تری که به آن اشاره شد، امروزه حتی رفتار کودکان در پایه چهارم تا ششم ابتدایی نیز گاهی عجیب به نظر می‌رسد. دریغ که این دوران گذراست و دیر یا زود با مدارا و درک، نوجوان به ثبات شخصیت می‌رسد. اما عدم شناخت به این دوران موجب می‌شود که حتی جایگاهی در کتابخانه‌های عمومی ندارند و کلام نوجوان حاضر است پوشش خود را به خاطر ورود به کتابخانه تغییر دهد، با دوستانش قرار فرهنگی بگذارد کتابی بخواند که داستانش مستقیم به او امر و نهی می‌کند؟! همچه تیر امسال نیز در سکوت گذشت و سلامی به کودک و پیاپی به نوجوانی نفرستادیم.

عضو تحریریه و دبیر صفحه ادبیات
کودک و نوجوان گلشن مهر

کشف بیش از ۲ هزار کیسه
انواع کود شیمیایی غیر مجاز

فرمانده انتظامی شهرستان علی آباد کتول گفت: طبق بررسی‌های به عمل آمده دو هزار و ۸۸۸ کیسه انواع کود شیمیایی غیرمجاز کشف شد. به گزارش روابط عمومی، حسین نوروزی اظهار کرد: در پی گزارش واصله از منابع خبری در نشانگاه‌های اقتصادی مبنی بر اخلاف در نظام اقتصادی از طریق فروش غیرقانونی و توزیع خارج از شبکه نهاده‌های دامی، مراتب در دستور کار دایره مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس آگاهی این فرماندهی قرار گرفت. وی افزود: با اقدامات تخصصی و طی هماهنگی به عمل آمده با مراجع قضائی، اکیبی از مأموران آگاهی و کارشناسان جهاد کشاورزی به محل مورد نظر مراجعه و مشخص شد، تعداد دو هزار و ۸۸۸ کیسه انواع کود شیمیایی فاقد پلاک ثبتی در سامانه آمار و هویت دام جهاد کشاورزی کشف شد. فرمانده انتظامی شهرستان علی آباد کتول در ادامه سخنان خود همچنین گفت: در همین راستا پرونده تشکیل و به مرجع قضائی معرفی شد. نوروزی اظهار کرد: اخلاف در نظام اقتصادی کشور در هر صورتی محکوم بوده و پلیس در این خصوص با هیچکس مماشات نداشته و قاطعانه برخورد خواهد کرد.

آموزش مهارت‌های
زندگی (۱)

کوثر قندهاری

در دنیای امروز روابط انسانی امری بسیار سخت و پیچیده شده است و علاوه بر آن تحقیقات متعدد نشان داده است کشورهایی که آمار طلاق، خیانت، اعتیاد و ... بالایی دارند در آنها آموزش مهارت‌های زندگی جلی گرفته نشده است بدین سبب می‌توان گفت آموزش مهارت‌های زندگی امری بسیار مهم و حیاتی است، در توضیح مهارت‌های زندگی می‌توان به تعریف سازمان بهداشت جهانی و یونسف مراجعه کرد: مهارت‌های زندگی یعنی ایجاد روابط بین فردی مناسب و موثر، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری صحیح، حل تعارضات و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمالی که به خود یا



کودک و زبان



راحمه شهریاری

وقتی کودک تنهاست با کتاب، زبان باید روشن باشد ما بزرگ‌ترها وقتی دریای شعر کودک حرف می‌زنیم،

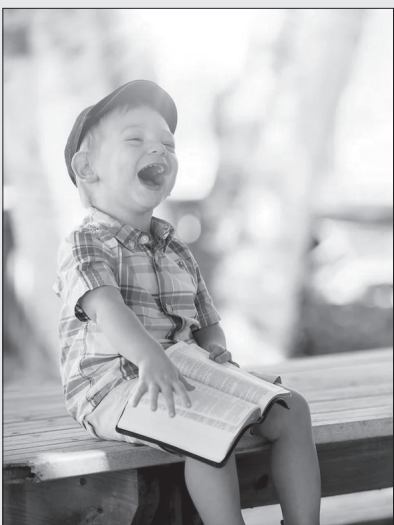
دیگران صدمه می‌زند، توانایی انجام رفتار سازگانه و مثبت به گونه‌ای که فرد بتواند با مشکلات روزمره زندگی خود کنار بیاید. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت مهارت‌های زندگی توانایی‌هایی است که باعث ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سلامت در سطح جامعه می‌شود. در سطح دنیا نزدیک چهار دهه است که آموزش مهارت‌های زندگی از کودکی مورد توجه قرار گرفته است اما در ایران حدود یک دهه است که به این موضوع توجه ویژه‌ای شده اما نه در سطح کلان کشوری بلکه بیشتر در سطح آموزش به متخصصان. با توجه به اهمیت این مسئله، بهتر است آموزش مهارت‌های زندگی از سنین پایین‌تر شروع شود تا در شخصیت افراد نهادینه گردد و باعث پیدایش جامعه‌ای با سلامت روان بالا شود؛ برآن شدم تا در این فضا و به صورت عمومی در ابتدا تعریفی از مهارت‌های زندگی داشته باشم و پس از آن به آموزش فعالیت‌های ساده مربوط به سنین کودکی و نوجوانی که به راحتی در محیط خانه قابل اجرا باشد، بپردازم. مهارت‌هایی که آموزش آنها باید از سنین کودکی شروع شود شامل: مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر نقاد، توانایی برقرار کردن ارتباط موثر، مهارت‌های ایجاد و حفظ روابط بین فردی، خودآگاهی، همدلی، مقابله با استرس است که همه این موارد را می‌توان در چهار مجموعه مهارت‌های رشد خود، رشد هیجانی، رشد اجتماعی و رشد شناختی تقسیم بندی کرد. تمامی این مهارت‌ها را می‌توان با روش‌هایی مثل قصه خوانی، بحث و گفت و گو، شعرخوانی، بازی، اجرای مسابقه، فعالیت‌های هنری، نمایش فیلم و... در مکان‌هایی مثل خانه، مهد یا مدرسه به کودکان آموزش داد. اولین دسته از مهارت‌هایی که باید آموزش داده شود: مهارت‌های رشد خود یا خودآگاهی است چرا که در این مرحله کودک به شناخت خود می‌رسد و با نقاط قوت و ضعف خود آشنا می‌شود. مهم است که در ابتدا کودکان را با نقاط قوتشان آشنا کنیم و سپس سراغ نقاط ضعف آنان برویم و در ادامه باید به این مسئله بپردازیم که همه انسان‌ها در بعضی فعالیت‌ها توانمند و در

معمولاً بیشتر جذب وزن، ریتم، تصویرها و موضوع می‌شویم. اما یکی از چیزهایی که گاهی نادیده می‌ماند و اتفاقاً بسیار مهم است، زبان شعر است. و هدف تفاوت میان زبان نوشتاری (معیار) و زبان گفتاری (محاوره) است. برای کودک، خواندن یک متن، ساده‌ترین کار دنیا نیست. به‌خصوص وقتی تازه به دنیای خواندن وارد شده، هنوز در حال یادگیری صداها، نشانه‌ها، ساختار جملات، و مهارت‌های درک مطلب است. حالا تصور کنید در این مرحله حساس، شعری را دست می‌گیرد که با واژه‌های شکسته نوشته شده، افعال آن محاوره‌ای‌اند، جمله‌بندی شل و شغاهی است و صداهایی دارد که نوشتارشان با گفتارشان متفاوت است. نتیجه چه می‌شود؟ یا گیج می‌شود و نمی‌فهمد شعر چه می‌گوید. یا نمی‌تواند بخواند و نیازمند کمک یک بزرگ‌تر است. یا فکر می‌کند خودش اشتباه می‌خواند و اعتماد به نفسش لطمه می‌بیند.

این دقیقاً همان نقطه‌ای است که ما به جای ایجاد لذت از خواندن مستقل، کودک را وابسته و مضطرب می‌کنیم. در حالی که شعر کودک، اگر قرار است کودک آن را خودش بخواند، بهتر است به زبان معیار و دستور سالم نوشته شده باشد. نه به این خاطر که رسمی‌تر یا جلی‌تر است، بلکه چون آشناتر است با مسیر یادگیری کودک در دبستان، و آسان‌تر می‌تواند آن را رمزگشایی کند. البته این بدان معنا نیست که زبان محاوره در ادبیات کودک جایی ندارد. اتفاقاً در ترانه‌ها، نمایش‌نامه‌ها، قصه‌های شنیدنی یا شعرهایی که قرار است توسط بزرگ‌تر خوانده یا اجرا شوند، زبان گفتاری می‌تواند

بعضی دیگر ضعیف عمل می‌کنند و این نقاط ضعف برابر کل شخصیت انسان نیست و تنها گوشه‌ای از شخصیت اوست و طبیعی است که او نیز مانند سایر انسان‌ها نقاط ضعفی در کنار نقاط قوتش داشته باشد. برای آشنایی بیشتر در ادامه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که بهتر است در گروه دوستان انجام شود و چنانچه کودک به مهد یا کلاس خاصی نمی‌رود می‌توان این فعالیت‌ها را در جمع کودکان فامیل انجام داد و چنانچه باز هم چنین جمعی میسر نشود، می‌توان فعالیت را با والدین یا مربی انجام داد. فعالیت نخست فعالیت با عنوان سخنرانی من است این تمرین برای کودکانی که هوش کلامی بالایی دارند بسیار مناسب است و در این فعالیت می‌توان یک میز را بعنوان میز سخنرانی در وسط گذاشت و از بچه‌ها بخواهیم به صورت نیم‌دایره دور میز بنشینند و هرکدام از بچه‌ها درباره ۳ کار یا فعالیت که دوست دارند انجام دهند برای بقیه سخنرانی کنند در این بین اگر کودکی گفت به هیچ کاری علاقه ندارم می‌توانیم از او بخواهیم درباره کار یا فعالیت که خودش یا دوستانش بیشتر علاقه دارند صحبت کند. تمرین دیگری مشابه همین فعالیت داریم که مناسب کودکانی است که هوش تصویری و ترسیمی بالایی دارند. در این تمرین از بچه‌ها می‌خواهیم هرکدام تصویر کاری که خوب بلدند را نقاشی کنند و سپس درون جعبه خالی بیندازند و پس از پایان نقاشی همه بچه‌ها، هرکدام یک نقاشی از جعبه برمی‌دارد و حدس می‌زنند این نقاشی متعلق به کدام یک از دوستانشان است. هر دو این فعالیت‌ها باعث می‌شود بچه‌ها نسبت به خود و علائقشان آگاهی بیشتری پیدا کنند و با توجه به آگاهی کسب شده به سمت علائقشان حرکت کنند. والدین و مربیان باید به این مهم توجه داشته باشند که در خلال فعالیت نباید مافع علاقه خاصی باشند و باید تفاوت‌ها را بپذیرند و در پایان درباره تفاوت سلاط، علائق و استعدادها با کودکان گفت و گو کنند و آن‌ها را برای پذیرش بیشتر این بخش از وجود خود آماده کنند.

پژوهشگر روانشناسی و معلم



بسیار مؤثر و دلنشین باشد. اما وقتی پای خواندن مستقل کودک وسط باشد- به ویژه در سال‌های آغازین مدرسه- زبان معیار باید انتخاب اصلی باشد. شعر کودک، اگر با زبان درست نوشته شود، می‌تواند پلی باشد برای عبور کودک از متن‌های درسی به دنیای خیال. اما اگر این پل لقی یا گنگ باشد، شاید کودک هیچ‌وقت به آن سوی لذت‌بخش شعر نرسد. بیاییم از زبان شروع کنیم. زبان، خانه‌ی شعر است.

شاعر و نویسنده



نشریه گلشن مهر و مدیران آن سپاسگزارم. و خوشحالم که شروع هزاره چهارم انتشار گلشن مهر" واقعیت دارد". درود بر شما، سرکارخانم قرآنی و همکاران با تجربه و نیز جوان روزنامه. انشاالله همیشه بر مدار یادگیری، تعامل، خردورزی و موفقیت باقی بمانید.

محمد نظری دکترای مدیریت صنعتی و عضو سابق تحریریه گلشن مهر

گلشن مهر را به شما و سرکار خانم قرآنی و همکاران محترم تبریک عرض میکنم. گلشن مهر از آن رو توانست دوام یابد که "یادگیری" را یکی از میانی کار خود قرار داده است. امیدوارم میز گفتگوی عقلایی گلشن مهر مثل گذشته جایی برای نشستن همگان داشته باشد و محیطی مناسب برای ترویج همزیستی برادرانه، گفتگوی با تسامح... باقی بماند. برای من حضور در گلشن مهر فرصتی برای یادگیری، تعامل دوستانه بوده است. بابت ایجاد فرصت یادگیری و کسب تجربه از

تداوم فرهنگی

تداوم فعالیت گلشن مهر با رویکرد عقلانیت، خردمندی و انتشار بیش از ۳ هزار شماره



و همکاری. در جمع آوری تکه های پراکنده آگاهی. سیمرغ اسوه و الگوی کسانی است که به گام های کوچک موثر در دل مشارکت همگانی و همبستگی برای سازندگی باور دارند و از هر گونه تفرقه و نفرت افکنی پرهیز می کنند. و چه زیبا، امیدوار کننده و سازنده است که گلشن مهر گلستان، در مسیر سیمرغ سفر می کند. سیمرغ واز، بمانید برای ایران زمین هزار سال جلالی نصیب عمرتان باد همه ماههای آن آردیبهشت و فروردین

علی صاحبی- استاد بین المللی روانشناسی مولف و پژوهشگر

انتشار سه هزارمین شماره نشریه گلشن مهر که به پاس پایداری و فداکاری شما به انجام رسیده است را از صمیم قلب به شما و تمام شهروندان گرگان و گلستان تبریک عرض می کنم. دستمیزاد. در بزنگاههای تاریخی و مهم ایرانزمین، در گستره ذهن ایرانی، دو سمبل بزرگ همواره به تاب آوری اجتماع و برپا نگه داشتن فرهنگ و هویت ایرانی یاری رسانده است. یکی ققنوس است که از خاکستر خود دوباره بر می خیزد و هویت خود را احیاء می کند و دیگری سیمرغ است. سیمرغ اسطوره اتحاد و همبستگی است. سی پرنده، هر کلام حامل بخشی از حقیقت که با رسیدن به قله در می یابند که خود همان سیمرغ اند. از منظر سیمرغ، نجات در پیوند است، در گفتگو

برای ایران بمانید

آقای دکتر مکتبی عزیزم

سرکار خانم قرآنی بزرگوار

تیم سخت کوش و پا به رکاب گلشن مهر گلستان؛



محمد کاظم نظری - فعال مدنی

گذشت، نه نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی! خاطرش تشویش کرد و نه اقدامی و تجمعی به قصد برهم زدن نظم راهش را بست. حتی برآمدن دولت تدبیر و مسئولیت سیاسی "احسان" هم نتوانست و مانع رفتن و پیمودن "گلشن مهر" نشد. و ما همچنان تفرج کردیم در این گلشن و گاه بوده است که قلم زدیم و مورد لطف احسان به زیور طبع آراسته. و حال هزاره سوم پشت سر گذاشته شد و به عون تعالی وارد چهارمین هزاره. مبارک است، راه طی شده، خسته نباشید و دستمیزاد به تحریریه سخت کوش و سخت جان و سخت سر گرگان، گلستان (استرآباد) و ایران جان مفتخر است به داشتن چنین فرزندان برومند. مانا و ماندگار باشید!...

دست به قلم و مقاله ای نوشتم به تشویق همکار نازنین و خوبم "مجید مکتبی" در اداره کل آموزش و پرورش، ملاحظات در مرزهای استان! که هنوز هم آن ملاحظات است اما شدیدتر، چاپ شد و من شدم مقاله نویس "گلشن مهر". "سلیم" که دوست و برادر خوبم "عبدالسلام مهیمنی" صاحب امتیازش بود.

بهاران نشریات گذشت و خزان شان رسید و بیداد زمان برگ شان را از شاخه جدا کرد. نشریات یک به یک به محاق رفتند و اما یکی زان میان شاخص و بنام با "احسان" ماند، تا احسانی کند به روح تشنگان نشریاتی که دگر نبودند. "گلشن مهر" ماند با همه سختی ها و تلخی ها و فراز و فروها ماند، شیرین و پر نقش و نگار و زیبا. شماره به شماره، از تونل های مختلف

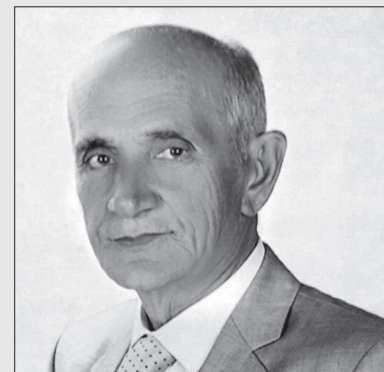
هزاره چهارم

اوایل دهه هشتاد بود و تابستان نشریات، بهارش رو به خزان که گذشته بود با بستن فله ای نشریات. اما هنوز تابستان استرآباد بود که سلیم به سلامت به گلشن مهر می رفت، با نشریاتی از چپ و راست. و اما خزان نزدیک بود و من

جناب احسان مکتبی!

ن والقلم وما یسطرون ... سوگند به قلم و آنچه از درون آن می تراود.. بی شک کار فرهنگی مداوم در دوران های متمادی ویژگی های خاص خودش را می طلبد. جناب احسان مکتبی در طول عمر پربارش، در عرصه های مختلف کوشیده است، تا به این جایگاه فرهنگی رسیده است. قویترین شاخصه ایشان، در مسیر طی شده فرهنگی، هنری و سیاست ورزی، می توان به توانمندی ایشان در امر مطالعه و تحقیق گسترده و ریشه زدن و دانش سیاست، ومظاهر گذشته و حال وامروز ایران است. که این مظاهر را می توان در سرمقاله های مداوم، سخنرانیها، سایر نوشته های ایشان رد یابی کرد. دیگر صداقت در نوشتار، گفتار و رفتار و گفتاری و نوشتاری ایشان میباشد. رعایت اصول مدارا، پرهیز از افراط و تفاهم فکری و اجتماعی از روشمندی نوشتاری ایشان است. احترام گذاری به مخاطب و صداقت سخن و خصوصا

به بهانه سه هزارمین شماره نشریه وزین گلشن مهر



بهره مندی از هنر ایجاز در کلام و نوشتار و تربیت کادر های هنری، نویسندگی در تمام مراحل سنی می تواند از شاخصه بارز ایشان یاد آورد. پایدار و مستدام باد قلم و نوشتار ایشان.

امیر سعادت- دبیر بازنشسته



و تغییر شکل‌دهنده‌ی بدن آن نیست (هرچند که دل‌خراش هستند)، بلکه قرارداد ناگفته‌ی اجتماعی است که از زنان می‌خواهد تا ابد مطلوب بمانند – یا ناپدید شوند. سقوط الیزابت صرفاً شخصی نیست؛ بلکه سیستماتیک است. این فیلم از مفهوم «هیولای کمال» به‌عنوان سلاح استفاده می‌کند – نیرویی سیری‌ناپذیر و همیشه مراقب که ارزش را بر اساس زیبایی‌شناسی دیکته می‌کند و کسانی را که جرأت پیر شدن، افتادگی یا چروک شدن دارند، مجازات می‌کند. هیولای کمال یک موجود واحد نیست، بلکه یک هیولای چند سَر است: مدیر انتخاب بازیگر است که الیزابت را به دلیل «بیش از حد بالغ بودن» رد می‌کند، مجری برنامه‌ی گفتگو که از جایگزین جوان‌تر خود تعریف و تمجید می‌کند، و روزنامه‌های زردی که تلاش‌های «مایوسانه» او را برای مطرح ماندن مسخره می‌کنند. در یک صحنه‌ی به‌خصوص ویرانگر، الیزابت به نسخه‌ی دیجیتالی تغییر یافته‌ی خودش روی جلد مجله خیره می‌شود – صاف‌تر، سفت‌تر، بهتر – و ما لحظه‌ای را می‌بینیم که عزت نفس او در هم می‌شکند. بنابراین، «ماده» فقط یک مک‌گافین علمی-تخیلی (مک‌گافین MacGuffin مفهومی در سینما و ادبیات است که به یک شی، شخص، ایده یا هدفی گفته می‌شود که شخصیت‌های داستان برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند و داستان حول آن پیش می‌رود، اما این موضوع یا شی در واقع اهمیت ذاتی و مستقلی ندارد و بیشتر به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد داستان و ایجاد انگیزه در شخصیت‌ها به کار می‌رود) نیست؛ بلکه نهایت منطقی بوتاکس، فیلر و فتوشاپ است، نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر فرهنگی که پیری را یک بیماری می‌داند. این دوگانگی، وجود شکسته‌ی سلبریتی‌های مدرن را منعکس می‌کند، جایی که شخصیت عمومی باید بی‌عیب و نقص باقی بماند در حالی که خود خصوصی فرو می‌ریزد. وحشت در این درک نهفته است که خود جوان‌تر الیزابت اصلاً او نیست، بلکه یک ساختار توخالی و قابل فروش است. در یکی از لحظات به‌یادماندنی فیلم، دو نسخه از الیزابت با یکدیگر روبرو می‌شوند، یکی التماس می‌کند که مورد توجه قرار گیرد، و دیگری با سردی او را به‌عنوان «فرسوده» رد می‌کند. این استعاره‌ای از چرخه‌ی بی‌وقفه جایگزینی در صنعت سینما است – ستاره‌ی دیروز، داستان هشداردهنده‌ی امروز است.

نگاه دیجیتال و محو هویت اصیل

فیلم فارگیت به خوبی از نقش عصر دیجیتال در تحریف هویت آگاه است. در جهانی که فیلترهای اینستاگرام و چهره‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی، استاندارد زیبایی را تعیین می‌کنند، فیلم «ماده» می‌پرسد: چه اتفاقی می‌افتد وقتی واقعیت دیگر نتواند با واقعیت مصنوعی رقابت کند؟ دگرگونی الیزابت نه تنها فیزیکی، بلکه وجودی است – او به دو خود تقسیم می‌شود، همزاد جوان‌ترش هر آنچه صنعت می‌خواهد را در خود جای می‌دهد، در حالی که شکل اصلی او در سایه‌ها پژمرده می‌شود. این روایت با اضطراب‌های فرهنگی گسترده‌تر در مورد بیهکینگ (Biohacking یا هک زیستی به معنای ایجاد تغییرات عمدی و هدفمند در سبک زندگی و عملکرد بدن است تا بتوان عوامل بیولوژیکی بدن را «هک» کرد و بهترین نسخه از خود را به نمایش گذاشت. این تغییرات می‌توانند شامل بهبود تغذیه، ورزش، مدیریت خواب، تنظیم محرک‌های محیطی (مانند نور و صدا)، کاهش استرس و حتی استفاده از فناوری‌های نوین باشند)، مداخلات آرایشی و کالایی شدن خودسازی طنین‌انداز می‌شود. داستان الیزابت، داستانی هشدار دهنده در مورد هزینه‌های تسلیم شدن در برابر هیولای کمال است و نشان می‌دهد که چگونه وسواس به اعتبارسنجی بیرونی می‌تواند منجر به خودویرانگری شود. تصویر فیلم از حملات الیزابت به تصاویر خودش – پرتاب اشیاء به سمت پوسترها، شکستن آینه‌ها، پوشاندن پنجره‌ها برای جلوگیری از نصب بیلبرد سو – نمادی از خشونت روانی ناشی از زندگی در جهانی بیش



ماده (Substance) (۲۰۲۴)

سقوطی هولناک به کام هیولای کمال



سید حمید شریف نیا

زیبایی معشوقه‌ای بی‌رحم است – حقیقتی که فیلم «ماده» اثر کورالی فارگیت نه به‌عنوان یک مشاهده گذرا، بلکه به عنوان تیغه‌ای که از میان دنده‌ها لغزیده است، ارائه می‌دهد. این گزاره که در لحظه‌ای از آسیب‌پذیری ویرانگر ممکن است از ذهن مخاطب عبور کند، به قلب تپنده فیلم، مرثیه و کیفرخواست آن تبدیل می‌شود. ماده سمفونی گروتسکی (Grotesque) از وحشت بدنی و انشقاق روانی است، هر فریم مانند جاقوی جراحی است که دروغ‌های جامعه‌ای مست از جوانی، که شیفته کالایی شدن شکل زنانه است را آشکار می‌کند. این صرفاً یک فیلم نیست؛ آینه‌ای است که در برابر بیماری جمعی گرفته شده و پوسیدگی چرکین زیر توهم طلایی فرهنگ شهرت را آشکار می‌کند. و آنجا، در ویرانه‌های زندگی شخصیت‌هایش، بی‌رحمانه‌ترین افشاگری فیلم نهفته است: اینکه زیبایی راهایی نمی‌بخشد – می‌بلعد. فارگیت، که پیش از این به خاطر نگاه فمینیستی تیزبینانه‌اش در فیلم انتقام (۲۰۱۷) مشهور بود، با فیلمی باز می‌گردد که هم جاه‌طلبانه‌تر و هم نگران‌کننده‌تر است. ماده، الیزابت اسپارکل (دمی مور) را دنبال می‌کند، ستاره‌ی هالیوودی سابقاً محبوبی که زیبایی رو به زوالش او را به حاشیه‌ی صنعتی که زمانی او را می‌پرستید، رانده است. در پنجاهمین سالگرد تولدش، او به دلیل «گذشته از دوران اوج» به طرز بی‌رحمانه‌ای اخراج می‌شود، که یادآور بی‌رحمانه‌ای از تبعیض سنی و بت‌پرستی بی‌رحمانه هالیوود – و جامعه – از جوانی است. او در اوج ناامیدی به یک داروی مرموز بازار سیاه وعده جوان‌سازی می‌دهد اما بسیار بیشتر از آن را ارائه می‌دهد: او را به دو بدن جداگانه تقسیم می‌کند – خود جوان‌ترش، سو (مارگارت کوالی) و نسخه اصلی پیرش. این دوگانگی هویت صرفاً فیزیکی نیست، بلکه عمیقاً روانشناختی و نمادین است. الیزابت و سو آگاهی مشترکی دارند اما در بدن‌های متفاوتی زندگی می‌کنند و مجبورند هر هفته وجودشان را تغییر دهند. آنچه آشکار می‌شود، سقوطی درونی و توهم‌زا به خودویرانگری است، داستانی هشداردهنده درباره بهای کمال در جهانی که زنان را وقتی از نظر بصری دیگر خوشایند نیستند، کنار می‌گذارد.

هیولای کمال: اشتهای سیری‌ناپذیر جامعه برای جوانی

وحشت اصلی فیلم ماده چیزهای عجیب و غریب

از حد واسطه‌ای است که در آن هویت فرد دائماً تحت نظارت، قضاوت و کالاسازی قرار می‌گیرد.

وحشت بدنی به‌عنوان تسویه حساب فمینیستی

فارگیت از وحشت بدنی نه برای شوک‌های ارزان، بلکه به‌عنوان زبانی درونی برای خشم زنانه استفاده می‌کند. همان‌طور که بدن الیزابت سرکشی می‌کند – پوسش می‌ریزد، استخوان‌هایش ترک می‌خورد، گوشتش به او خیانت می‌کند – ما مجبور می‌شویم با خشونت استانداردهای زیبایی روبرو شویم. وحشتناک‌ترین سکانس‌های فیلم بی‌دلیل نیستند؛ آنها کیفرخواست هستند. وقتی صورت الیزابت شروع به باز شدن می‌کند و چیزی نامشخص را آشکار می‌کند. با نگاهی عمیق به لایه‌های زیرین، متوجه می‌شویم که جامعه این کاری را با زنان می‌کند: آنها را لایه از هم جدا می‌کند تا جایی که چیزی جز یک تقلید مسخره‌آمیز از خود سابقشان باقی نمی‌ماند. انتخاب‌های زیبایی‌شناختی فیلم، این تأثیر را تشدید می‌کنند. فیلمبردار، سفیدی‌های استریل و بالینی (آزمایشگاهی که ماده در آن تجویز می‌شود) را با قرمزی‌های بیمارگونه و ضریان‌دار بدن رو به زوال الیزابت در تضاد قرار می‌دهد. موسیقی متن، سمفونی ناموزونی از صداهای مصنوعی و صداهای ارگانیک، ادغام غیرطبیعی انسانیت و کالا را تقویت می‌کند.

چرخ گوشت سلبریتی‌ها: همدستی جامعه در نابودی

ماده، مخاطب خود را از مخمصه رها نمی‌کند. ما را مجبور می‌کند تا نقش خودمان را در سلطنت هیولای کمال به حساب بیاوریم. ما کسانی هستیم که شایعات مربوط به سلبریتی‌ها را می‌شنویم، کسانی که بی‌سنی را با ستایش پاداش می‌دهیم، کسانی که ستاره‌ها را به محض نشان دادن نشانه‌هایی از مرگ و میر، کنار می‌گذاریم. در یک مونتاژ تکان‌دهنده، کلیپ‌های خبری و واکنش‌های رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهند که سقوط الیزابت با شادی از بدبختی دیگران روبرو می‌شود – «او باید سال‌ها پیش بازنشسته می‌شد»، «النگار پیرزن بالاخره ترکیده». نگاهش‌آمیزترین جمله فیلم این است که سرنوشت الیزابت یک ناهنجاری نیست، بلکه یک فهم اجتناب‌ناپذیر است. صنعت سینما زنان را جویده و بیرون می‌ریزد، و ما، تماشاگران، کسانی هستیم که این سرنوشت را در دست داریم.

آینه‌ای رو به چهره‌ای پوسیده

تماشای فیلم «ماده» آسان نیست. این فیلم بی‌رحمانه، مصمم و عمیقاً ناراحت‌کننده است – همان‌طور که هر طنز بزرگی باید باشد. فارگیت فیلمی ساخته است که هم یک افسانه کابوس‌وار و هم یک انتقاد تند است، هشدار از آنچه اتفاق می‌افتد وقتی ارزش را با ظاهر یکی می‌کنیم. در لحظات پایانی، هنگامی که دو خودِ الیزابت در توده‌ای گروتسک و پیچ‌خورده ادغام می‌شوند، با یک سوال وحشتناک مواجه می‌شویم: آیا این دگرگونی است، یا صرفاً حقیقت کاری است که جامعه همیشه با زنان کرده است؟ «ماده» هیولا خلق نمی‌کند – بلکه صرفاً هیولاهایی را که ما همیشه بوده‌ایم آشکار می‌کند. این فیلم همچنین به این موضوع می‌پردازد که چگونه رسانه‌ها و فرهنگ سلبریتی، آرمان‌های زیبایی غیرواقعی را که هم اغواکننده و هم مخرب هستند، تلاوم می‌بخشند. رویارویی مکرر الیزابت با تصاویر خودِ جوان‌ترش – روی بیلبوردها و تلویزیون – تأکید می‌کند که چگونه رسانه‌ها آگاهی عمومی را با استانداردهای دست‌یافتنی اشباع می‌کنند و احساس ناکافی بودن و نادیده گرفته شدن را در میان کسانی که پیر می‌شوند و از مد می‌افتند، تشدید می‌کنند. این محیط رسانه‌ای نه تنها سلبریتی‌های مسن را طرد می‌کند، بلکه برداشت‌های عمومی را نیز شکل می‌دهد و ارزش‌های سطحی را که ظاهر را بر محتوا اولویت می‌دهند، تقویت می‌کند.

عصر دیجیتال، چندپارگی هویت و روابط فرااجتماعی

فیلم ماده با بینش‌های جامعه‌شناختی در مورد چگونگی تغییر هویت توسط صنایع دیجیتال و رسانه طنین‌انداز

می‌شود. در جهانی که افراد چندین شخصیت آنلاین را انتخاب می‌کنند و دائماً در معرض تصاویر ایده‌آل قرار می‌گیرند، هویت چندپاره و نمایشی می‌شود. وجود دوباره الیزابت بین خود اصلی و خود جوان‌ترش به صورت استعارای این چندپارگی را به تصویر می‌کشد و منعکس‌کننده چگونگی هدایت افراد در رقابت با خودهای شکل گرفته توسط رسانه‌های اجتماعی و فرهنگ سلبریتی است. علاوه بر این، فیلم به طور ضمنی با پدیده روابط فرااجتماعی – دلبستگی‌های عاطفی یک طرفه که مخاطبان با سلبریتی‌ها شکل می‌دهند – درگیر می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که چنین روابطی می‌تواند با عزت نفس پایین و انزوای اجتماعی تشدید شود، زیرا افراد به دنبال شناسایی یا جبران از طریق چهره‌های ایده‌آل هستند. «ماده» جنبه تاریک‌تر این پویایی را آشکار می‌کند: وقتی سلبریتی‌ها توسط جامعه طرد یا حذف می‌شوند، طرفدارانی که روی تصاویر ایده‌آل آنها سرمایه‌گذاری کرده‌اند، ممکن است دچار گسست در حس هویت و ارزش خود شوند.

تأثیر بر درک سلبریتی و جامعه

فیلم ماده با به تصویر کشیدن طرد خشونت‌آمیز سلبریتی‌های سالخورده و پیامدهای هولناک سطحی‌نگری اجتماعی، درک ما را از تزلزل هویت سلبریتی‌ها عمیق‌تر می‌کند. این فیلم نشان می‌دهد که چگونه شهرت منوط به انطباق با استانداردهای تنگ‌نظرانه و اغلب بی‌رحمانه است و چگونه این دیده شدن مشروط، افراد را از خود واقعی‌شان بیگانه می‌کند. تصاویر گروتسک و پیچیدگی روانشناختی فیلم، بینندگان را دعوت می‌کند تا با هزینه‌های انسانی پشت ظاهر فریبنده فرهنگ سلبریتی‌ها روبرو شوند. با انجام این کار، «ماده» مخاطبان را به چالش می‌کشد تا ارزش‌هایی را که زربینای وسواس اجتماعی نسبت به ظاهر و جوانی هستند، زیر سوال ببرند. این فیلم پوچی و بی‌رحمی فرهنگی را که ظاهر را بر ذات ارجح می‌داند، آشکار می‌کند و خواستار شناخت دلسوزانه‌تر پیچیدگی‌های انسانی فراتر از آرمان‌های سطحی است. این فیلم همچنین نقش صنعت زیبایی را در تلاوم این چرخه از طریق بازاریابی شبه‌علمی محصولاتی مانند این ماده که نوید جوانی می‌دهند اما عوارض روانی و جسمی سنگینی را به دنبال دارند، نقد می‌کند. وابستگی الیزابت به این دارو، علیرغم عوارض جانبی وحشتناک آن، تأکید می‌کند که چگونه فشارهای اجتماعی زنان را مجبور می‌کند سلامت و اصالت را فدای ظاهر زودگذر کمال کنند. این پویایی با اشباع رسانه‌ای تشدید می‌شود، جایی که تصاویر سو جوان بر فضاهای عمومی و روان الیزابت غالب می‌شود و این تصور را تقویت می‌کند که فقط جوانی مطلوب و شایسته توجه است. علاوه بر این، فیلم «ماده» بررسی می‌کند که چگونه این استانداردهای زیبایی روابط بین فردی را تحریف می‌کنند و انزوا را تقویت می‌کنند. رابطه پر از تنش الیزابت با خود جوان‌ترش، سو، نماد تضاد درونی بین پیری واقعی و آرمان‌های تحمیلی اجتماعی است. تضاد آنها نشان می‌دهد که چگونه طرد اجتماعی پیری می‌تواند درک از خود را بشکند و افراد را حتی از بخش‌هایی از خودشان بیگانه کند و احساس جدایی و تهایی را عمیق‌تر کند. در مجموع، «ماده» نشان می‌دهد که استانداردهای زیبایی خشی یا خوش‌خیم نیستند، بلکه به‌عنوان مکانیسم‌های اجتماعی قدرتمندی عمل می‌کنند که تبعیض سنی را تقویت می‌کنند و زنان مسن را به حاشیه می‌رانند. این فیلم با به تصویر کشیدن طرد وحشیانه‌ای که الیزابت با آن مواجه است و اقدامات افراطی که او برای بازبینی جوانی انجام می‌دهد، فرهنگی را نقد می‌کند که ارزش را با ظاهر برابر می‌داند و کسانی را که به طور طبیعی پیر می‌شوند، نامرئی می‌کند. این فیلم خواستار بازنگری انتقادی در مورد چگونگی تعریف زیبایی و ارزش توسط جامعه است و خواستار شمول بیشتر و احترام به پیری به عنوان بخش ذاتی هویت انسانی است. ماده فیلمی است که در استخوان‌های شما باقی خواهد ماند، تیری زهرآگین که مستقیماً به قلب فرهنگ غرور نشانه رفته است. این فقط یک فیلم نیست – یک تسویه حساب است. و در جهانی که هنوز از زنان می‌خواهد قبل از انسان بودن، زیبا باشند، این تسویه حساب ملت‌هاست که باید انجام شود.

شاعر و نویسنده

مہناز جہانفر رئیس ادارہ ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۵۰۲

مہناز جہانفر سرٹیس ادارہ ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۵۰۱

مہناز جہانگیر سرپرست، ادارہ ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۵۰۴

مہناز جہانگیر، سرپرست، ادارہ ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۴۶۶

تجدید آگهی مناقصہ عمومی

نسبت به اجرای پیاده‌سازی در خیابان ولیعصر ضلع غرب حد فاصل عدالت ۴۱ تا ۷۱ (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۳۰،۵۲۲،۳۸۳،۱۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای فهرست بهاء و رسته کاری اینبه - راه و باند از محل کد پروژه ۴۰۲۶۰۲ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ لغایت مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ به سامانه ستاد به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

روسی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمان‌های فاقد سند رسمي در ساعت ۱۱:۴۵:۱۴۰۴ در محل وقوع ملک واقع در اراضي-بلغمه ساليان -شهر آق بلا به عمل خواهد آمد. چنانچه روز تجديد حدود به هر دليلی از سوی دولت محترم تعطيل رسمي اعلام گرديد عمليات تجديد در ساعت مقرر، روز بعد تعطيلی يا تعطيلات انجام خواهد شد. از اين رو چنانچه مجاورى نسبت به تجديد حدود يا حقوق ارتفاقی حقى بر خود قائل است مى تواند از تاريخ تنظيم صورت مجلس تجديد حدود تا(۳۰) سى روز اعتراض خود را نسبت به اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمان‌های فاقد سند رسمي در ساعت ۱۱:۴۵:۱۴۰۴ در محل وقوع ملک واقع در اراضي-بلغمه ساليان -شهر آق بلا به عمل خواهد آمد. چنانچه روز تجديد حدود به هر دليلی از سوی دولت محترم تعطيل رسمي اعلام گرديد عمليات تجديد در ساعت مقرر، روز بعد تعطيلی يا تعطيلات انجام خواهد شد. از اين رو چنانچه مجاورى نسبت به تجديد حدود يا حقوق ارتفاقی حقى بر خود قائل است مى تواند از تاريخ تنظيم صورت مجلس تجديد حدود تا(۳۰) سى روز اعتراض خود را

تجدید آگاه



شهر داد

نسبت به اجرای پیاده روسازی در خیابان ولیعصر ضلع غرب حد ف

۳۰,۵۲۲,۳۸۳,۱۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای فهرست بهاء و ر

طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت های واجدا

به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

افسانه هیرکانی گنجینه عصر دایناسورها

هزار هکتار زمین از دامداران و جنگل کاری ۸۰ هزار هکتار اجرا شده است. صادقان بیان کرد: این اقدامات، همراه با تجدید حیات طبیعی جنگل، مناطق تخریب شده را احیا کرده و فضاهای خالی را با نهال کاری پر کرده است. طرح تنفس جنگل که از سال ۱۳۹۶ اجرا شد، بهره برداری غیراصولی از جنگل ها را متوقف کرد و بر حفاظت، احیا و بهره برداری پایدار تمرکز دارد. نیکویی توضیح داد: این طرح به جوامع محلی امکان می دهد از ظرفیت های مانند پرورش گیاهان دارویی، ماهی گیری در رودخانه ها و تولید صنایع دستی بهره مند شوند تا وابستگی شان به جنگل کاهش یابد. صادقان افزود: اقداماتی برای کنترل آفات مانند شب پره شمشاد انجام شده، اما به دلیل پیچیدگی اکوسیستم جنگلی، استفاده از سموم کشاورزی محدود است و نیاز به روش های تخصصی داریم. برای حفظ این میراث جهانی، اقدامات فوری و هماهنگ در سطوح محلی، ملی و بین المللی ضروری است. نیکویی خواستار افزایش سه برابری بودجه حفاظتی و تقویت زیرساخت های نظارتی، از جمله استفاده از فناوری های نوین مانند نقشه برداری آنلاین و نظارت ماهواره ای، شده است. وی گفت: آموزش جوامع محلی و گردشگران برای افزایش آگاهی درباره اهمیت حفاظت از جنگل ها حیاتی است. توسعه گردشگری پایدار، با تأکید بر اکوتوریسم و ایجاد مسیرهای مشخص برای بازدید، می تواند جایگزینی برای فعالیت های مخرب مانند قطع درختان و چرای دام باشد. همکاری بین سازمان های حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی و میراث فرهنگی، همراه با مشارکت جوامع محلی، کلید مدیریت بهتر این اکوسیستم است. صادقان تأکید کرد: تشویق به کاشت گونه های پهن برگ به جای سوزنی برگ و احیای طبیعی جنگل ها می تواند به پایداری این اکوسیستم کمک کند. حمایت بین المللی از طریق یونسکو و جذب سرمایه گذاری برای پروژه های حفاظتی نیز گامی بزرگ در راستای حفظ این میراث برای نسل های آینده خواهد بود. نیکویی گفت: مردم باید بدانند این جنگل ها سرمایه ملی و خدادادی آن هاست و با مشارکت و حمایت آن ها، می توانیم این گنجینه را حفظ کنیم.

آینده ای سبز برای گلستان و جهان

جنگل های هیرکانی گلستان، فراتر از یک جاذبه طبیعی، نمادی از تاریخ، فرهنگ و هویت ایران هستند. این فسیل های زنده، با تنوع زیستی بی نظیر، مناظر خیره کننده و ظرفیت های اقتصادی و فرهنگی، می توانند به الگویی برای توسعه پایدار تبدیل شوند. حفاظت از این میراث، وظیفه ای همگانی است که نیازمند مشارکت مردم، برنامه ریزی اصولی و حمایت بین المللی است. سفر به این جنگل ها، تجربه ای فراموش نشدنی برای گردشگران و یادآوری مسئولیت ما در برابر طبیعت است. همان طور که نیکویی می گوید: این جنگل ها مال مردم هستند و با حمایت آن ها، می توانیم نشان دهیم که ایران چگونه گنجینه های طبیعی خود را برای آیندگان حفظ می کند. با اتخاذ راهکارهای مناسب، جنگل های هیرکانی گلستان نه تنها از خطر نابودی نجات خواهند یافت، بلکه به نمادی جهانی از همزیستی انسان و طبیعت تبدیل خواهند شد.



حفاظت از ۵۰۰ هزار هکتار جنگل سخت گذر، نظارت کافی ممکن نیست. آتش سوزی های عملی، تصرف زمین ها و کمبود تجهیزات نیز چالش های بزرگی هستند. جاده سازی غیراصولی در جنگل ها نیز به فرسایش خاک و لغزش زمین دامن زده است. صادقان گفت: جاده هایی که بدون رعایت اصول فنی احداث شده اند، در زمان بارندگی و سیل، به تخریب جنگل ها منجر می شوند و کمبود آگاهی عمومی و فقدان برنامه های آموزشی برای جوامع محلی نیز این تهدیدات را تشدید کرده است. صادقان گفت: جنگل های هیرکانی گلستان در معرض خطر جدی قرار دارند و آتش سوزی های ناشی از سوزاندن بقایای محصولات کشاورزی (کاه و کلش) در اراضی مجاور، نه تنها به اکوسیستم ارزشمند جنگل ها آسیب می رساند، بلکه انرژی و منابع نیروهای حفاظتی را به شدت تحت فشار قرار داده است. وی بیان کرد: آتش های ناشی از سوزاندن کاه و کلش به سرعت به جنگل های لبه ای سرایت می کند و گونه های گیاهی و جانوری منحصربه فرد هیرکانی را نابود می سازد. به گفته وی: خاموش کردن این آتش سوزی ها ساعت ها تلاش نیروهای حفاظتی جنگل را به خود اختصاص می دهد و توان آن ها را برای حفاظت از دیگر مناطق کاهش می دهد. معاون منابع طبیعی گلستان اعلام کرد: برای مقابله با این تهدید، منابع طبیعی اقدام به احداث کیلومترها آتش بر در حاشیه اراضی کشاورزی کرده است. این آتش برها با استفاده از تجهیزات تخصصی ایجاد شده اند تا از سرایت حریق به جنگل ها جلوگیری کنند. صادقان تأکید کرد: مقابله با این معضل نیازمند ورود جدی تر دستگاه های متولی مانند سازمان محیط زیست و جهاد کشاورزی بوده و تشدید اقدامات بازدارنده، از جمله جریمه های سنگین و آموزش کشاورزان برای مدیریت صحیح بقایای کشاورزی، ضروری است. استان گلستان در سال های اخیر اقدامات متعددی برای حفاظت از جنگل های هیرکانی انجام داده است. از سال ۱۳۸۰، طرح هایی مانند ساماندهی جنگل نشینان، خروج ۵۰ درصد دام های مجاز، خرید چهار

زیرساخت هایی مانند فرودگاه بین المللی گرگان، راه های دسترسی مناسب و امکان سفرهای یک روزه به مناطقی چون بندر ترکمن، گنبدکاووس و آبشار کبودوال، این ظرفیت را دوچندان می کند. نیکویی بیان کرد: توسعه اکوتوریسم، پرورش گیاهان دارویی و ایجاد فرصت های شغلی برای جوامع محلی می تواند وابستگی به جنگل ها را کاهش دهد و از مهاجرت به شهرها جلوگیری کند. این جنگل ها همچنین بستری برای تحقیقات علمی، آموزش زیست محیطی و توسعه صنایع دستی فراهم می کنند. تنوع اقلیمی و فرهنگی گلستان، از ترکمن صحرا تا روستاهای پیلاقی جهان نما، زمینه را برای عرضه محصولات محلی، مانند زعفران و صنایع دستی ترکمنی، مهیا کرده و می تواند اقتصاد منطقه را متحول کند. صادقان تأکید کرد: این جنگل ها ظرفیت جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی را دارند. ایجاد مسیرهای گردشگری مشخص، اقامتگاه های بوم گردی و برنامه های آموزشی برای گردشگران می تواند به توسعه پایدار منجر شود.

چالش های پیش رو: تهدیدی برای فسیل زنده

با وجود این ظرفیت ها، جنگل های هیرکانی گلستان با تهدیدات جدی مواجه اند. بیش از ۵۱ درصد از مساحت اولیه این جنگل ها به دلیل توسعه ناپایدار، قطع درختان، چرای بیش از حد دام و گسترش زمین های کشاورزی از بین رفته و مساحت آن ها از سه میلیون هکتار به کمتر از ۲ میلیون هکتار کاهش یافته است. صادقان هشدار داد: قاچاق چوب، حضور بیش از ۳۰ هزار واحد دامی و ویلاسازی غیرمجاز، به تخریب پوشش گیاهی و فرسایش خاک منجر شده و در برخی نقاط، جنگل ها به حالت کچلی دچار شده اند. آفات و بیماری هایی مانند زغالی بلوط و شب پره شمشاد، همراه با تغییرات اقلیمی، کاهش رطوبت خاک و آتش سوزی های گاه و بیگاه، حیات این اکوسیستم را به خطر انداخته اند. نیکویی به کمبود بودجه و نیروی انسانی اشاره می کند: با ۵۰۰ نیرو برای

جنگل های هیرکانی با قدمتی بیش از ۴۰ میلیون سال، نه تنها فسیل هایی زنده از دوران سوم زمین شناسی اند، بلکه به عنوان میراثی جهانی، هویت طبیعی و فرهنگی ایران را به رخ جهانیان می کشند که ثبت جهانی این جنگل ها در تیرماه سال ۱۳۹۸ به عنوان میراث طبیعی یونسکو، مهر تأییدی بر ارزش اکولوژیکی و تاریخی آن هاست. به گزارش ایرنا، در استان گلستان، این جنگل ها با وسعت ۴۲۱ هزار هکتار، ۲۱ درصد از کل مساحت جنگل های هیرکانی ایران را در بر می گیرند و با تنوع زیستی بی نظیر، جاذبه های طبیعی خیره کننده و ظرفیت های اقتصادی و فرهنگی، گنجینه ای بی همتا برای ایران و جهان به شمار می روند. جنگل های هیرکانی گلستان، بازمانده ای از دوران پیش از یخبندان های عظیم زمین، به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصربه فرد دریای خزر از یخبندان های دوره چهارم زمین شناسی مصون مانده اند. جهان بخش صادقان، معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان، این جنگل ها را «مادر جنگل های اروپا» دانست و گفت: این اکوسیستم باستانی، ذخیره ژنتیکی ارزشمندی است که گونه هایی منحصربه فرد را در خود جای داده و در هیچ کجای خاورمیانه نظیر ندارد. این جنگل ها میزبان بیش از ۸۰ گونه درختی پهن برگ و ۵۰ گونه درختچه ای، از جمله راش، ممرز، بلوط، سرخدار و افرا هستند. تنوع زیستی این منطقه با ۲۹۶ گونه پرنده و ۹۸ گونه پستاندار، از جمله پلنگ ایرانی، خرس قهوه ای، روباه دمسياه و اسبچه خزری، آن را به بهشتی برای زیست شناسان و طبیعت دوستان تبدیل کرده است. صادقان ادامه داد: در یک محدوده کوچک از این جنگل ها، می توان چهار تا پنج گونه درختی را مشاهده کرد که این تنوع در جهان بی نظیر است. این جنگل ها به دلیل تکامل میلیون ساله، شاهد تحولات زیستی و جابجایی گونه ها بوده اند که مطالعه آن ها برای دیرینه شناسی و فسیل شناسی حیاتی است.

جاذبه های افسونگر هیرکانی

جنگل های هیرکانی گلستان مقاصد بی نظیری برای طبیعت گردی و ماجراجویی ارائه می دهند. پارک ملی گلستان، با آبشارهای خروشان، رودخانه های زلال و گونه های کمیاب جانوری، مقصدی رویایی برای عکاسان و طبیعت دوستان است. جنگل ابر، جایی که ابرها در آغوش درختان راش آرام گرفته و مناظری افسانه ای خلق می کنند و منطقه حفاظت شده جهان نما، با مراتع پیلاقی و چشم اندازهای کوهستانی که به «پام گلستان» شهرت دارد، تجربه ای بی مانند از پیاده روی و آرامش در دل طبیعت را به ارمغان می آورند. به گفته علی اصغر نیکویی، مدیرکل منابع طبیعی گلستان، این جنگل ها نه تنها از منظر زیبایی و تولید اکسیژن ارزشمندند، بلکه با جذب کربن، حفظ منابع آب زیرزمینی و تولید فرآورده های چوبی، نقشی چندجانبه در اکوسیستم و اقتصاد منطقه ایفا می کنند. ثبت جهانی جنگل های هیرکانی، دریچه ای به سوی توسعه گردشگری پایدار در گلستان گشوده است. گرگان، به عنوان یکی از پایگاه های اصلی دسترسی به این جنگل ها، با جاذبه هایی نظیر بافت تاریخی، بازار نعلبندان و جنگل ناهارخوران، ظرفیت تبدیل شدن به مقصدی بین المللی را دارد.

و آزادشهر در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: خرید محصول در مرحله نخست تا سقف پنج هزار تن و در مرحله دوم تا ۱۰ هزار تن ادامه خواهد یافت که این طرح نه تنها به پایداری درآمد کشاورزان کمک می کند، بلکه با تبدیل محصول به رب گوجه فرنگی، ارزش افزوده بیشتری برای منطقه به ارمغان می آورد. مدیرکل تعاون روستایی گلستان، نیز گفت: گوجه فرنگی خریداری شده توسط اتحادیه تعاونی های روستایی به واحد فرآوری طرف قرارداد تحویل داده می شود تا به رب گوجه فرنگی تبدیل شود. محمدرضا جامی افزود: محصول نهایی از طریق شبکه تعاون روستایی و فروشگاه های آن در بازار عرضه خواهد شد تا نیاز مصرف کنندگان تأمین شود. استان گلستان با جمعیتی حدود ۲ میلیون نفر، یکی از قطب های اصلی تولید محصولات کشاورزی در ایران است.

نماینده مردم رامیان و آزادشهر در مجلس شورای اسلامی، از آغاز خرید تضمینی دست کم ۱۰ هزار تن گوجه فرنگی از کشاورزان گلستان با قیمت کارشناسی هر کیلوگرم بیش از ۶۰ هزار ریال خبر داد و گفت: این طرح با همکاری اتحادیه های تعاونی سازمان تعاون روستایی گلستان و واحد فرآوری رب گوجه فرنگی منطقه اجرایی شود. به گزارش روابط عمومی، جمشید قائم مقام در حاشیه مراسم آغاز خرید گوجه فرنگی در رامیان گفت: ۹۰ درصد گوجه فرنگی گلستان در رامیان تولید می شود که این ظرفیت، فرصتی بی نظیر برای منطقه است. وی افزود: برای حمایت از کشاورزان زحمتکش و کاهش دغدغه های فروش محصول، جلساتی با مسئولان جهاد کشاورزی و تعاون روستایی برگزار شد تا گوجه فرنگی با قیمت عادلانه و کارشناسی خریداری شود. نماینده رامیان

آغاز خرید ۱۰ هزار تن گوجه فرنگی